

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی دبیران (مطالعه موردی: دبیران مقطع متوسطه شهرستان کامیاران)

حسین محمدزاده*

نصراله ندیمی**

چکیده

آموزش و پرورش یکی از نهادهای اصلی اجتماعی است که معلمان جزو کارگزاران اصلی آن به شمار می‌روند. این نهاد اصلی گرچه خصلتی محافظه‌کارانه در غالب جوامع دارد اما مشارکت و رفتار سیاسی معلمان در ایران و در سال‌های گذشته در راستای بازتولید ساختار سیاسی نبوده است. به علت ساختار چند قومی کشور ایران، رفتار سیاسی معلمان در مناطق قومی ممکن است تحت تأثیر هویت قومی قرار گیرد. این هویت همچنین بر موضوعات مهمی از جمله ارزش‌های فردی تأثیرگذار است. ارزش‌های فردی (مادی و فرامادی) از شاخص‌های مهم پویایی اجتماعی است. هدف این تحقیق بررسی رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی در میان معلمان مقطع راهنمایی شهرستان کامیاران است. مبانی نظری تحقیق ریشه در نظریه رومانو، راش و اینگلهارت دارد. اجرای تحقیق به روش پیمایشی و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه خود اجرا بوده است. جامعه آماری پژوهش دبیران مقطع متوسطه شهرستان کامیاران بوده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد متغیرهای جمعیت‌شناسی مانند جنسیت، مذهب و نوع لهجه با هویت قومی رابطه معناداری دارند. این هویت قومی که خود متأثر از عوامل زمینه‌ای است با رفتار سیاسی و ارزش‌های

* دکتری جامعه‌شناسی سیاسی/استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)، h.mohammadz11@gmail.com

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی/دبیر دبیرستان‌های سندج، n.nadimi2000@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

فردی معلمان رابطه مثبت و معناداری دارد. این تحقیق نشان داد رفتار سیاسی معلمان ممکن است سیاسی باشد یا نباشد و رفتار سیاسی آن‌ها لزوماً قومی نیست.

کلیدواژه‌ها: هویت قومی، مشارکت سیاسی، ارزش‌های فردی، دبیران مقطع متوسطه، کامیاران

۱. بیان مسئله

آموزش و پرورش یکی از نهادهای اصلی در هر جامعه‌ای است. در ایران آموزش و پرورش دارای میلیون‌ها دانش‌آموز و صدها هزار معلم است. علیرغم این‌که آموزش و پرورش یک نهاد محافظه‌کار قلمداد می‌شود که در پی بازتولید ساختارهای سیاسی است. معلمان در ایران دارای اتحادیه صنفی بوده و در رویدادهای سیاسی و اجتماعی نقشی فعال داشته و در دهه‌های گذشته تاکنون بخشی از نیروهای معترض جامعه بوده‌اند. خواست آن‌ها گاه صنفی و غالباً سیاسی بوده است. در این میان مشارکت و رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی معلمان به خاطر نقش و جایگاهشان، حائز اهمیتیت بیش‌ازپیش است. "مشارکت سیاسی به معنی سلوک فرد در سطوح مختلف در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است" (فاضلی، خوشفر، ۱۳۸۹: ۱۳۵). رفتار سیاسی گرچه به‌طور مستقل مقوله‌ای درخور توجه است از بعد نظری در چارچوب مشارکت سیاسی قرار می‌گیرد (راش، ۱۳۸۸). بحث مشارکت سیاسی در تمام سیستم‌های سیاسی حائز اهمیت است. اما "مشارکت سیاسی یکی از ابعاد توسعه سیاسی است و مظهر نوع خاصی از دموکراسی به نام دموکراسی مشارکتی است" (زاهدی، بیرانوند، ۱۳۸۹: ۵۲).

ایران کشوری در حال تغییرات سریع است و این تغییر با سؤالات و چالش‌های مختلفی در حوزه ارزش‌ها روبرو است. "از یک‌سو بدنه سنتی جامعه حافظ و نگهدار برخی ارزش‌های سنتی است و از سوی دیگر بدنه روشنفکری معتقد به تغییر و دگرگونی در ارزش‌ها است" (معدنی، خسروانی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). ارزش‌های فردی (مادی و فرامادی) یکی از شاخص‌های پویایی اجتماعی در میان نسل‌های یک جامعه است. معلمان در جامعه امروز ایران به‌عنوان بخشی از طبقات متوسط، علاوه بر تعلیم و تربیت، در حوزه سیاسی و در تعدیل یا دفاع از ارزش‌های فردی نقشی بسیار گسترده و استثنایی دارند. مشارکت سیاسی بخش زیادی از معلمان در زمینه قومیتی شکل می‌گیرد. "مشارکت سیاسی

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۳۵

شهروندان به شدت از زمینه‌های اجتماعی و هویت قومی متأثر هستند" (عنبری، قلی زاده میرزایی، ۱۳۹۶: ۲۸۰).

مسئله قوم و هویت قومی یکی از موضوعات مهم جهانی است چراکه غالب کشورهای جهان با شرایط خاص اجتماعی و تاریخی با آن روبرو هستند. مطالعات نشان داده‌اند که "از میان ۲۰۰ کشور جهان، ۱۱۵ کشور بیش از یک قومیت دارند" (Minorities at risk, 2009). بخشی از ساکنان ایران دارای هویت قومی هستند و این هویت قومی نقشی جدی در حیات اجتماعی و خصوصاً رفتارهای سیاسی دارد. ایران که کشوری چند قومی است (احمدی، ۱۳۷۸، جلاایی پور، ۱۳۷۲، مقصودی، ۱۳۸۰، صالحی امیری، ۱۳۸۵، طایی، ۱۳۷۸، محمد زاده، خانی، ۱۳۹۷، Amanolahi, S, 2005). هویت قومی رفتار سیاسی معلمان را چندبعدی و پیچیده‌تر می‌کند.

قومیت و هویت قومی یکی از موضوعات مهم در کل گیتی است. "هویت قومی مجموعه‌ای از معانی است که اشخاص به عضویتشان در یک اجتماع قومی نسبت می‌دهند و آن‌ها را از دیگران متمایز می‌سازد" (Esman, 1994: 27).

اسمان (۱۹۹۴) بر این باور است که "هویت‌های قومی قابل قیاس با هویت‌های دیگر نیستند بلکه به همان اندازه که هویت قومی سیاسی شود به همان اندازه سایر هویت‌های دیگر را تحت شعاع قرار می‌دهد و بر آن‌ها تسلط می‌یابد" به همین دلیل "اگر بخش زیادی از هویت مردم قومی سیاسی شود آنگاه می‌توانیم بگوییم هویت قومی، بیشترین تأثیر را بر رفتار سیاسی، ارزش‌ها و اهداف آن‌ها دارد" (رومانو، ۱۴۰۰: ۳۴). نکته بسیار حائز اهمیت این است که قومیت‌ها در درون یکسان نبوده (محمدزاده، ۱۳۹۰) و دارای تنوع درون قومی بوده و به قول اریکسن (Ericson, 1993: 13) دارای زمینه‌های گوناگون هستند. تنوع درون قومی باعث نظرات و گرایش‌های متنوع و گاه متضادی در درون یک قومیت می‌شود. به همین خاطر رفتار سیاسی ناشی از این تنوع درون قومی از نظر علمی و مدیریت تضادهای اجتماعی جذائیتی دوچندان می‌یابد.

برخلاف نظر اینگلهارت نتایج تحقیق عبداللهی و حسین بر (۱۳۸۵) در کشور ایران نشان داده‌اند که هویت قومی نه تنها با ارزش‌های مادی بلکه با ارزش‌های دمکراتیک ارتباط معناداری دارد. از نظر اینگلهارت هویت قومی باعث رفتار سیاسی محدود و به عبارت مشخص‌تر باعث تشویق رفتارها و ارزش‌های مادی می‌شود. هدف این تحقیق بررسی

رابطه هویت قومی با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی معلمان در شهرستان کامیاران هست.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

در رابطه با سه متغیر مدنظر این پژوهش یعنی هویت قومی، مشارکت سیاسی و همچنین ارزش‌های فردی، پژوهش‌های زیادی به انجام رسیده است که اهم آن‌ها عبارتند از؛ جلائی پور (۱۳۷۲) در تحقیق خویش "بحران و درگیری کردستان" را متأثر از عواملی همبستگی کردی، وجود احزاب سیاسی کردستان، در حاشیه قرار گرفتن اقوام کردی، جغرافیای سیاسی و سیاست ویژه امنیتی دانسته است. احمدی (۱۳۷۸) سه متغیر: دولت مدرن، نظام بین‌المللی و نقش نخبگان را عامل بروز قوم‌گرایی موثر دانسته و در میان این عوامل تأکید بیشتری را بر نظام بین‌المللی و نقش نخبگان قومی در سیاسی شدن اختلافات زبانی و مذهبی دارد. به باور صالحی امیری (۱۳۸۵) این مساله از اقتضات محیطی، اجتماعی و تنوع فرهنگی و قومی در ایران متأثر بوده است. نواح و همکاران (۱۳۸۹) در یک کار پیمایشی نشان داده‌اند که محرومیت نسبی با هویت قومی رابطه معناداری دارد. مقصودی (۱۳۸۵) و محمدزاده (۱۳۹۰) عوامل مختلفی را بر هویت قومی متأثر دانسته‌اند. ایجدوغو (Icduyqu) و همکاران (۱۹۹۹) از عوامل تأثیرگذار بر تقویت هویت قومی و بسیج سیاسی در میان کردها، وجود محیط غیر ایمن را در دو بعد مادی (درآمد، دارایی، تحصیلات، بهداشت، خدمات دولتی) و غیرمادی (زبان و فرهنگ) مورد توجه قرار داده‌اند. لی براون (Lee brown) (۲۰۰۹) در تحقیقی تحت عنوان "زبان مادری و هویت قومی" به این نتیجه رسید که هرچه فرد مهارت بیشتری در زبان مادری خود داشته باشد دارای احساس هویت قومی مثبت‌تری است، و کسانی که بر زبان مادری خود تسلط دارند در رابطه با هویت خود احساس امنیت بیشتری دارند و تصورات بهتری از خود در جهان دارند.

زاهدی و بیرانوند (۱۳۸۹) در یک تحقیق پیمایشی که در شهر خرم‌آباد به انجام رسیده است به این نتیجه رسیده‌اند که افرادی که دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین هستند با مشارکت سیاسی مخالفت بیشتری داشته‌اند. عبدالهیان و حقیگوی (۱۳۸۸) به مطالعه تأثیر مثبت اینترنت در مشارکت سیاسی توجه داشته‌اند. فاضلی و خوشفر (۱۳۸۹) با استفاده از

داده‌های پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران به تبیین مشارکت سیاسی در استان گلستان پرداخته‌اند. آن‌ها دو متغیر احساس بی‌قدرتی و میزان مشروعیت سیاسی نظام سیاسی نزد افراد رابطه یافته‌اند.

ریوا کاستوریانو و میریام اسکادر (Rivia-kastoryano&Miriam Schader) (۲۰۱۴) در مقاله «درک دینامیک‌های مشارکت سیاسی و قومیتی در طول زمان و فضا» به بحث درباره مسائل قومی پرداخته است، این مقاله روی سه موضوع مهم در پژوهش متمرکز است. یکی این‌که قومیت را از دیدگاه ادغام ببیند؛ دیگری قومیت و وابسته‌های قومی را همچون منبعی برای تحرک و جنبش سیاسی مهاجران و اقلیت‌ها در نظر می‌گیرد و سومی روی ساختارهای فرصت سیاسی‌ای که مشارکت قومی و تحرک جمعی را شکل می‌دهد تمرکز دارد. جیلیان فیش (Jillian Fish) و همکاران (۲۰۲۱) در یک تحقیقی که به روش ترکیبی انجام داده‌اند به بررسی دوستی و اتحاد به‌مثابه هویت جمعی سیاسی شده و ارتباطش را با هویت قومی، ویژگی‌های شخصی و مشارکت سیاسی-اجتماعی پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که هویت قومی راه‌های متفاوتی را برای مشارکت و آگاهی اجتماعی-سیاسی ارائه می‌دهند. هندرسون (۲۰۰۷) ضمن تأکید بر مرزهای ایالتی و قومی در مشارکت سیاسی، به سنخ‌شناسی رفتار سیاسی و رابطه آن با نوع وابستگی قومی-ایالتی در کشور آمریکا پرداخته است. به باور او مرزهای محلی و قومی، بهتر از بافت و زمینه کلی جامعه نوع رفتار سیاسی افراد را تبیین می‌کند. دانیل الازار (Elazar) (۱۹۶۶) معتقد است که نوع رفتار سیاسی افراد با چگونگی عملکرد دولت و مقامات حکومتی و همچنین هویت قومی و مذهبی رابطه دارد (Zoellick, 200: 34). آلیتا ناندی (Alita Nandi-) و لوسیندا پلات (Lucinda Plat) (۲۰۱۸) در مقاله‌ای تحت عنوان "رابطه میان سیاست و هویت قومی در میان اکثریت و اقلیت در بریتانیا" به این نتیجه رسیدند که در میان اکثریت‌های قومی، زنان از لحاظ هویت قومی سیاسی در رده پایین‌تری نسبت به مردان هم‌گروه خود قرار دارند اما در میان اقلیت‌های قومی این زنان هستند که از لحاظ هویت قومی سیاسی در رده‌های بالاتری نسبت به مردان هم‌گروه خود قرار دارند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که در رابطه با هویت قومی، رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی تحقیقات گسترده و عمیقی انجام شده است. اما هیچ‌کدام از آن‌ها به رابطه میان نوع هویت قومی مدنظر دیوید رومانو و مشارکت سیاسی و ارزش‌های فردی نپرداخته‌اند. بدین

منظور این تحقیق در میان معلمان یکی از شهرستان‌ها که دارای تنوع قومی است انجام شده است.

۳. نظری

در بحث نظری ما به سه مطلب توجه داریم: هویت قومی، رفتار سیاسی به‌عنوان نوعی مشارکت سیاسی و ارزش‌های فردی. در مورد هویت قومی تحقیقات نظری عدیده‌ای توسط محققان خارجی و داخلی انجام شده است و نقش عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی در آن دیده شده است. در اینجا قصد ما یادآوری این تحقیقات نیست بلکه بر نوع هویت چهارگانه‌ای است که توسط رومانو انجام شده است. در بخش ارزش‌های فردی به نظریه اینگلهارت می‌پردازیم و در بخش رفتار سیاسی به رابطه هویت و مشارکت سیاسی در نگاه مایکل راش نظر داریم.

از نیمه دوم قرن بیستم به بعد در حوزه علوم اجتماعی اندیشمندان زیادی در مورد تعاریف هویت و هویت قومی و قوم‌گرایی بحث کرده‌اند و هرکدام از آن‌ها تعاریف متفاوتی از این مقوله‌ها ارائه داده‌اند، و همچنین در مورد تأثیر هویت قومی و قوم‌گرایی در جهان معاصر، به‌گونه‌ای که بسیاری از آن‌ها بر این باورند که هویت‌های قومی و مذهبی در هزاره سوم مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده تغییرات جهان اجتماعی هست. هویت دارای کارکردهای مختلفی است.

قومیت به دیدگاه‌ها و شیوه‌های عمل فرهنگی که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کند اطلاق می‌شود. اعضای گروه‌های قومی خود را از نظر فرهنگ متمایز از گروه‌بندی‌های دیگر در جامعه می‌دانند، و دیگران نیز آن‌ها را همین‌گونه در نظر می‌گیرند. برای تشخیص گروه‌های قومی از یکدیگر از ویژگی‌های مختلف بسیاری می‌توان استفاده کرد، اما معمول - ترین آن‌ها عبارت است از زبان، تاریخ یا تبار (حقیقی یا خیالی)، مذهب و شیوه‌های لباس پوشیدن و آرایش (گیدنر، ۱۳۸۶: ۲۷۸).

آنتونی اسمیت "شش ویژگی قوم را چنین برمی‌شمارد: نام جمعی، اسطوره نیای مشترک، تاریخ مشترک، فرهنگ مشترک در میان اعضای گروه قومی که آن‌ها را از دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد و پیوند با یک سرزمین خاص و نوع همبستگی" (نقل از مرشدی زاد، ۱۳۷۹: ۲۰۰). زیرا به نظر برتون، در مورد اقوام، ما با اطلاعات تحریف‌شده‌ای روبرو

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۳۹

هستیم که دولت‌ها به وجود می‌آورند "تا ملت‌های به رسمیت شناخته شده را به مقام بالایی برسانند و به این ترتیب سبب شوند که نوعی همبستگی میان دولت‌ها بتواند از آن‌ها دفاع کند و در همان حال گروه‌های کوچک قومی و ناشناخته را به فراموشی بسپارند" (برتون، ۱۳۸۰: ۱۶۰).

مهم‌ترین کارکرد هویت ایجاد همبستگی و همانندی می‌باشد، این همانندی و همبستگی به دو عنصر یعنی تعریف ما از خود و همچنین تعریف ما از دیگران بستگی دارد و هویت در هر سطحی در مقابل "غیر" یا دیگری تعریف می‌شود.

یکی از ویژگی‌های هویت چندلایه بودن آن است (مانند منظومه شمسی) که فرد در مرکز منظومه قرار دارد و لایه‌های هویت چون مدارهای آن هست. برخورداری از هویت منسجم سبب می‌شود تا فرد نسبت به وقایع و حوادث اطراف خود، موضع واحدی با در دست داشتن معیارهای واحدی در پیش بگیرد (حاجیبانی، ۱۳۷۹: ۱۹۵، ۱۹۶).

دیوید رومانو (۱۴۰۰) در کتاب خود به نام « جنبش‌های ناسیونالیسم کردی » افراد را از لحاظ هویت قومی به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱- هویت فردی غیرسیاسی: عده‌ای که خارج از گروه قومی قرار دارند، این عده نمی‌توانند خود را با گروه قومی بشناسند، یا به عبارتی گروهی از افراد که هیچ‌گونه هویت قومی ندارند و در هویت اکثریت آسمیله شده هیچ‌گونه تبعیض و محرومیت قومی را از جانب گروه اکثریت حاکم احساس نمی‌کنند.

۲- هویت فردی سیاسی: عده‌ای که در داخل گروه قومی هستند اما خود را با گروه قومی نمی‌شناسند یعنی هویت فردی دارند ولی با گروه احساس همبستگی نمی‌کنند و یا به عبارتی گروهی که هویت قومی دارند اما در حد فردی بوده و عنصر ذهنی قومی در آن‌ها به وجود نیامده و به صورت افرادی جدا از گروه، هویت قومی انفرادی دارند به عبارتی افراد قومی متمایز شده هستند .

۳- هویت قومی غیرسیاسی: عده‌ای که به صورت گروهی به هویت قومی دست یافته‌اند و با دیگر افراد متعلق به قوم خود احساس همبستگی می‌کنند، اینان احساس تبعیض می‌کنند اما این نوع تبعیض‌ها از نوع اقتصادی و اجتماعی است که برای آن مبارزه می‌کنند.

۴- همویت قومی سیاسی: اینان بالاترین حد همبستگی قومی را دارند و این گروه احساس تبعیض اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و البته «سیاسی» می‌کنند و سقف مطالبات آن‌ها از سایر گروه‌های فوق‌الذکر بالاتر بوده و خواهان حقوق برابر و فرصت‌های همسان با سایر گروه اکثریت مخصوصاً از لحاظ سیاسی می‌باشند (رومانو، ۱۴۰۰: ۳۳).

موضوع اصلی اینگلهارت در رابطه با مشارکت سیاسی، «ارزش‌های ابراز وجود» یا «ارزش‌های رهاینده» است. ارزش‌های ابراز وجود یا رهاینده را به‌عنوان گونه‌ای از فرهنگ سیاسی که مستعد دموکراسی است در نظر گرفته می‌شوند. به نظر وی، اصلی‌ترین عامل گذار به دموکراسی در کشورهای غیر دموکراتیک و تحکیم آن در کشورهای دموکراتیک، رشد ارزش‌های ابراز وجود است که در فرایند توسعه اقتصادی ظهور می‌کنند. این ارزش‌ها، شامل شاخص‌های استقلال، ارزش‌های فرامادی گرایانه، نگرش به برابری جنسیتی و دموکراسی است. ارزش‌های ابراز وجود، در بردارنده تأکید فرامادی گرایانه بر آزادی فردی و سیاسی، فعالیت‌های معترضانة شهروندان، تساهل نسبت به آزادی دیگران و تأکید بر رفاه ذهنی هستند که در زندگی منعکس می‌شود (Inglehart & Welzl, 2010: 132).

درواقع اینگلهارت ارزش‌ها را به دو نوع مادی و فرامادی تقسیم می‌کند. نظریه او بر دو فرضیه کمیابی و اجتماعی شدن متکی است. در فرضیه کمیابی عناصری از نظر ذهنی ارزشمند هستند که عرصه آن‌ها کم است. فرضیه اجتماعی شدن متکی به ارزش‌های که در دوران فرهنگ پذیری به ذهن فرد منتقل می‌شود. در واقع تغییر ارزش‌ها در یک فرایند تاریخی صورت می‌گیرد و ارزش‌های فردی و اجتماعی یک‌شبه تغییر نمی‌کند همچنین این تغییرات بایستی در سطحی وسیع و در میان نسل‌ها ایجاد شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۷).

به نظر راش (۱۳۸۸: ۱۲۳) نظریه مشارکت سیاسی با نظریه‌های مهمی مثل نظریه نخبگان و کثرت‌گرایان در ارتباط است. در حالی که نخبه‌گرایان مشارکت سیاسی را به نخبگان محدود می‌کنند کثرت‌گرایان آن را در جامعه پخش می‌کنند و از نظر آن‌ها مشارکت کلید رفتار سیاسی است چراکه عامل مهمی در تبیین توزیع قدرت و سیاست‌ها است.

آلن پیرفیت (Alan Peyrefitte) در دیباچه اثر جمعی و مشارکت سیاسی چیست می‌نویسد: مشارکت، مورد مشارکت قرار گرفتن قبل از تصمیم‌گیری است به نحوی که اظهار نظر شخصی و اعمال مراقبت در این تصمیم و تحول نتایج آن امکان داشته باشد. یک قرن و

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۴۱

اندی سال پیش جان استوارت میل نوشت: تنها حکومتی می‌تواند جلودار همه ضرورت‌های اجتماعی باشد که همه افراد ملت با آن مشارکت داشته باشند. مدارک و شواهد فراوان و گسترده‌ای وجود دارند که نشان می‌دهد مشارکت سیاسی در تمام سطوح بر طبق پایگاه اجتماعی-اقتصادی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، ناحیه محل سکونت و شخصیت و محیط سیاسی که در آن مشارکت دارد فرق می‌کند (راش، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

۴. چارچوب نظری پژوهش

متغیرهای تأثیرگذار بر تعیین نوع هویت قومی بسیار متنوع و چندبعدی هستند، همچنین شواهد زیادی وجود دارد که هویت قومی افراد تأثیر بسزایی در نوع رفتار سیاسی و همچنین تعیین نوع ارزش‌های موردعلاقه آن‌ها دارد. ما در این پژوهش در چارچوب نظریه دیوید رومانو نوع هویت فرد را تعیین کرده و تأثیر آن را بر رفتار سیاسی افراد مشخص می‌کنیم و همچنین تأثیر نوع هویت قومی را رفتار سیاسی بر اساس نظریه مایکل راش و همچنین بر ارزش‌های موردعلاقه فرد با توجه به نظریه رونالد اینگلهارت تعیین می‌کنیم.

دیوید رومانو (۱۴۰۰) در کتاب خود به نام «جنش‌های ناسیونالیسم کردی» افراد را از لحاظ هویت قومی به چهار دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از:

- ۱- هویت فردی غیرسیاسی
- ۲- هویت فردی سیاسی
- ۳- هویت قومی غیرسیاسی
- ۴- هویت قومی سیاسی

اهمیت دیدگاه رومانو در این است که افراد یک قوم هویت واحد ندارند، بعضی اصولاً سیاسی نیستند، بعضی سیاسی هستند اما در راستای اهداف قومی کار نمی‌کنند، بعضی قوم‌گرا هستند اما خواست آن‌ها فرهنگی و نه سیاسی است. این نویسنده بعد از سنخ‌شناسی نوع هویت قومی رابطه آن را با میزان مشارکت سیاسی بدین گونه تحلیل کرده است:

الف: گروه اول که با سایر افراد گروه قومی خود احساس همبستگی نمی‌کنند و بیشتر خود را در گروه اکثریت می‌شناسند، به عبارتی در گروه اکثریت آسمیله شده و احساس تبعیض از طرف اکثریت نمی‌کنند لذا مشارکتی سیاسی همچون اکثریت دارند یعنی بالاترین حد مشارکت سیاسی نسبت به سه گروه دیگر که در بالا از آنها نام برده شد، دارند.

ب: در گروه دوم و سوم میزان مشارکت در حد متوسط است، سطح مطالبات اینان در حد مطالبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و تبعیض احساس شده از طرف آنها تبعیض‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، نه سیاسی.

ج: گروه چهارم گروهی هستند که پایین‌ترین حد مشارکت سیاسی را دارند سقف مطالبات اینان نسبت به سه گروه قبلی بسیار بالاتر و متفاوت‌تر است؛ گروه قومی سیاسی شده مطالباتی در حد دخالت‌های سیاسی، حکومت‌داری و بعضی مواقع استقلال‌طلبی و حق تعیین سرنوشت خود را دارند. و در صورت ممکن حتی دست به مبارزات مسلحانه و یا سایر شیوه‌های اعتراض همچون نافرمانی‌های مدنی، اعتصابات و تظاهرات می‌زنند.

اینگلهارت ضمن تقسیم‌بندی ارزش‌ها به دودسته ارزش‌های مادی و ارزش‌های فرا مادی معتقد است که نظریه مادی-فرامادی بر دو فرض اساسی استوار است. فرضیه کمیایی: که در آن اولویت فرد بازتاب محیط اقتصادی و اجتماعی او است، به نحوی که شخص بیشترین ارزش ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه آنها نسبتاً کم است. فرضیه اجتماعی شدن: که در آن ارزش‌های اصلی شخص تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم در سال‌های قبل از بلوغ است (اینگلهارت، ۱۳۷۳). طبق یافته‌های اینگلهارت اعتماد به یکدیگر همانند رضایت خانوادگی و خوشبختی با سطوح نسبتاً بالای توسعه اقتصادی متناسب است. رضایت از زندگی، رضایت سیاسی، اعتماد به دیگران، میزان زیاد بحث سیاسی و حمایت از نظم موجود همه به همراه هستند. آنها نشانگان نگرش مثبت را نسبت به جهانی که در آن زندگی می‌کنیم تشکیل می‌دهند. به نظر او سطوح نسبتاً پایین انتشار رضایت و اعتماد موجب می‌شود که شخص به احتمال زیاد نظام سیاسی موجود را نپذیرد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۱)

به نظر اینگلهارت فرا مادیون بنا به دلایل زیر نسبت به مادیون مشارکت سیاسی به روش غیرمتعارف دارند:

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۴۳

۱- مادیون به ارضای نیازهای طبیعی و آنی بیشتر تمایل دارند اما فرا مادیون بیشتر انرژی روانی خود را برای فعالیت‌های عالی‌تر سرمایه‌گذاری می‌کنند به همین دلیل ممکن است به گونه وسیعی به فعالیت‌هایی که سیاست یکی از آنهاست روی آورند.

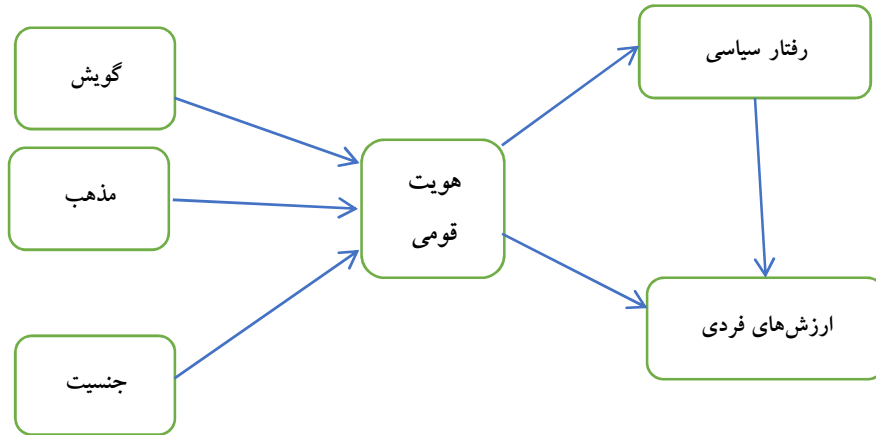
۲- فرا مادیون به مثابه اقلیت رشد یابنده‌ای که عالی‌ترین اولویت‌هایشان ناچیز انگاشته می‌شود به نظم اجتماعی موجود ناراضی هستند.

۳- جدایی و از دست دادن دارایی که ممکن است حاصل یک واکنش سیاسی غیرمتعارف باشد برای فرا مادیون کمتر منفی به نظر می‌رسد زیرا آن‌ها چیزهایی را تهدید می‌کنند که فرا مادیون اهمیت کمتری به آن‌ها می‌دهند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۵۲-۱۳۵۱).

به نظر مایکل راش (۱۳۸۸) مشارکت سیاسی، درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. لستر میلبرات (۱۹۶۵) سلسله مراتبی از مشارکت را مطرح کرده است که از عدم درگیری تا گرفتن مقام رسمی دولتی تغییر می‌کند و پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی رأی در انتخابات است و بر همین اساس مردم آمریکا را به سه دسته تقسیم می‌کند
گلا دیاتورها: کسانی که غالباً در سیاست فعال‌اند (۷ تا ۵ درصد).

تماشاگران: کسانی که به حداقل در سیاست درگیرند (در حدود ۶۰ درصد).
بی تفاوت‌ها: کسانی که در سیاست درگیر نمی‌شوند (در حدود ۳۳ درصد) (راش، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

در مدل نظری تحقیق که از مبانی نظری و زمینه تحقیق درآمد هاست (شکل ۱- حدس ما این است که گرایش به هویت قومی معلمان از عواملی مثل گویش، جنس و مذهب متأثر است. اما این مسئله اصلی ما نیست ما می‌خواهیم این رابطه را با نوع هویت قومی (چهار نوع) سنجیده سپس رابطه آن‌ها با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی بیازماییم. همچنین حدس ما این است که رفتار سیاسی با ارزش‌های فردی ارتباطی معنادار دارد چون مشارکت سیاسی از اجتماعی شدن متأثر است (راش، ۱۳۸۸: ۱۲۳) و اجتماعی شدن جزو متغیرهای مدنظر اینگلهارت (۱۳۷۳) در مسئله ارزش‌ها است. بر همین اساس شش فرضیه ذیل را استخراج کرده‌ایم:



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

۵. فرضیه‌های پژوهش

۱. به نظر می‌رسد بین جنس و نوع هویت قومی تفاوت وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد که بین گویش (سورانی، کلهری و اورامی) و نوع هویت قومی تفاوت وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین مذهب (تسنن و تشیع) و نوع هویت تفاوت وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد میان نوع هویت قومی و شیوه رفتار سیاسی ارتباط وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد میان نوع هویت قومی و ارزش‌های موردعلاقه فرد ارتباط وجود دارد.
۶. به نظر می‌رسد بین شیوه رفتار سیاسی و ارزش‌های موردعلاقه فرد ارتباط وجود دارد.

۶. تعریف متغیرها

هویت قومی: مجموعه‌ای از معانی است که اشخاص به عضویتشان در یک اجتماع قومی نسبت می‌دهند و آن‌ها را از دیگران متمایز می‌سازد که به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۴۵

۱. هویت فردی غیرسیاسی: عده‌ای که خارج از گروه قومی قرار دارند، این افراد نمی‌توانند خود را با گروه قومی بشناسند.

۲. هویت فردی سیاسی: عده‌ای داخل گروه قومی هستند اما خود را با گروه قومی نمی‌شناسند یعنی هویت فردی دارند اما هنوز با گروه قومی خود احساس همبستگی نمی‌کند یا به عبارتی هویت قومی متمیزه شده دارند.

۳. هویت قومی غیرسیاسی: عده‌ای از افرادی که به صورت گروهی به هویت قومی رسیدند و باهم احساس همبستگی می‌کنند اما مطالبات آن‌ها در حد اقتصادی و اجتماعی است و مطالبات سیاسی ندارند.

۴. هویت قومی سیاسی شده: گروهی که هویت قومی آن‌ها سیاسی است و دارای بیشترین احساس همبستگی گروهی و بیشترین مطالبات سیاسی هستند.

برای سنجش هویت قومی از ۲۴ گویه بر مبنای طیف لیکرت استفاده شده است، نمره حداکثر ۱۲۰ و حداقل ۲۴ است. نمره ۲۴ تا ۵۰ برای هویت فردی غیرسیاسی، نمره ۵۱ تا ۷۰ برای هویت فردی سیاسی، نمره ۷۱ تا ۹۰ برای هویت قومی غیرسیاسی و نمره ۹۱ به بالا برای هویت قومی سیاسی در نظر گرفته شده است.

رفتار سیاسی: به معنی شیوه‌هایی که افراد برای انتخاب رهبران خویش و شرکت موثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی در پیش می‌گیرد. رفتار سیاسی معنی کوشش سازمان یافته مردم درباره حکومت و سیاست است انواع رفتار سیاسی به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف) **رادیکالیسم:** کسانی که طرفدار تغییرات بنیادی در یک نظام می‌باشند و گاهی طرفدار تحول از راه سرنگونی حکومت فعلی و بنیاد نهادن حکومت جدید هست.

ب- **میانه‌رو:** کسانی که با ساختار کلی نظام فعلی مشکلی ندارند اما می‌خواهند با روش اصلاحات مشکلات نظام فعلی را مرتفع سازند.

ج- **محافظه کار:** کسانی که طرفدار حفظ وضع موجود بوده و با هرگونه تغییر در نظام مخالفاند.

برای سنجش رفتار سیاسی تعداد هفت گویه طراحی شده است، هفت سؤال بر مبنای طیف لیکرت پنج نمره‌ای و یک گویه ۲ نمره‌ای طراحی شده است. حداکثر نمره ۳۷ و

حداقل آن ۸ بوده است. کسب نمره ۸ تا ۱۸ در ردیف محافظه‌کار، ۱۹ تا ۲۹ در سنخ میان‌ه‌رو و نمره ۳۰ تا ۳۷ در گروه رادیکال قرار گرفته‌اند.

ارزش: عبارت است از اعتقاد کلی فرد درباره رفتارهای مطلوب و نامطلوب، اهداف یا حالت‌های غایی یا یک نوع درجه‌بندی، امتیازبندی پدیده‌ها از خوب تا بد یا از مثبت تا منفی که در اینجا ما آن‌ها را به سه دسته ارزش‌های مادی، ارزش‌های فرا مادی و ارزش‌های التقاطی تقسیم می‌کنیم.

ارزش‌های مادی: بیشتر تأکید بر امنیت اقتصادی و جانی و همچنین اهداف کوتاه‌مدت دارد.

ارزش‌های فرا مادی: تأکید بر خواسته‌های غیرمادی مانند ابراز نظر، وابستگی به دیگران، رضایت ذهنی و زیبایی‌شناختی.

ارزش‌های التقاطی: به خواسته‌های بینابینی بین دو ارزش مادی و فرا مادی یا حد متوسط دو ارزش مذکور می‌گویند.

برای سنجش ارزش‌های فوق ۸ گویه طراحی شد. نمرات ۴ گویه ۱ تا ۵ و نمره ۴ گویه دیگر ۱ تا ۴ در نظر گرفته شد. نمره حداکثر ۳۶ و نمره حداقل ۸ بود. افراد با ارزش مادی نمره ۸ تا ۱۷، ارزش التقاطی ۱۸ تا ۲۷ و ارزش فرا مادی ۲۸ به بالا بود.

مذهب: دسته‌ای از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی است که این باورها و عقاید همه‌کسانی که پیرو آن‌ها هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام امت واحد متحد می‌کند. به مکتب‌های درون یک دین، مذهب می‌گویند. سطح سنجش این متغیر اسمی بوده و با یک سؤال نوع مذهب فرد مشخص شده است پاسخگویان از نظر مذهب پیروی مذهب تشیع یا تسنن هستند.

زبان: زبان سیستمی از اسناد و نوشتار است که مردم خاص کشوری با آن صحبت می‌کنند. به گونه‌ای از طرز تلفظ‌های ویژه یک گروه زبانی لهجه می‌گویند. تقریباً در تمام زبان‌های جهان گروه‌های گوناگون وجود دارند. مجموعه تلفظ‌های ویژه گروه معمولاً قانونمند و مطابق ضوابط ثابتی صورت می‌گیرد، لهجه مشخص می‌سازد متکلم متعلق به کدام ناحیه (مکانی یا اجتماعی) است. گویش عبارت است از توصیف ویژگی‌های دستوری و واژگانی که وجوه تلفظی را هم در برمی‌گیرد. سطح سنجش این متغیر اسمی

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۴۷

بوده و با یک پرسش از فرد نوع گویش مشخص شده است پاسخگویان از نظر گویش به سه گویش سورانی، کلهری و اورامی قابل تقسیم هستند.

جنس: تقسیم‌بندی فیزیولوژیکی انسان است که به واسطه این خصیصه محدودیت یا امکانات در اختیار قرار می‌گیرد که جهت دهنده رفتار، گرایش و ارزش‌های وی است. که در تحقیق حاضر به دودسته زن و مرد تقسیم می‌شوند.

چون اطلاعات از دبیران مقطع متوسطه بدست آمده است به صورت پیش فرض آن‌ها را در یک طبقه ارزیابی کرده و متغیر اقتصادی اجتماعی آن‌ها سنجیده نشده است.

۷. روش تحقیق

کامیاران یکی از شهرهای استان کردستان است که حداثی سنندج و کرمانشاه قرار دارد. جمعیت این شهرستان بر اساس "سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵"، برابر ۱۰۲۸۵۶ نفر بوده است. زبان مردم کامیاران کردی است و سه لهجه اورامی، سورانی (اردلانی) و کلهری در آن شایع است. غالب افراد ساکن کامیاران سنی و بخشی از آن‌ها پیرو تشیع هستند.

روش تحقیق پیمایشی بوده و داده‌ها به صورت پیمایشی جمع‌آوری شده‌اند. جامعه آماری در این تحقیق کلیه معلمان مقطع راهنمایی شهرستان کامیاران است که تعداد آن‌ها ۲۴۰ نفر در سال ۱۳۹۸ بوده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و حجم نمونه معدل ۱۵۴ نفر به دست آمد.

از آنجاکه لیست معلمان در آموزش و پرورش کامیاران موجود بود نمونه‌گیری تصادفی ساده برای انتخاب نمونه‌ها در نظر گرفته شد. برای این منظور اعداد ۱ تا ۲۴۰ به معلمان اختصاص داده شد. به طریق قرعه‌کشی ۱۵۴ شماره استخراج گردید. از آنجاکه یکی از پژوهشگران خود معلم آموزش و پرورش کامیاران بود و با معلمان و آدرس آن‌ها آشنایی داشت پرسشنامه در اختیار آن‌ها قرار گرفت. پرسشنامه توسط خود معلمان و در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ تکمیل گشت

فن جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه از طریق پرسشنامه بود. در مرحله اول اعتبار صوری پرسشنامه توسط اساتید علوم اجتماعی و رفتاری دانشگاه پیام نور کامیاران تعیین گشت. سپس برای سنجش پایایی تعداد ۳۰ پرسشنامه به صورت تصادفی در میان معلمان

تکمیل شد و آزمون آلفای کرونباخ مورد استفاده قرار گرفت. ضریب آلفای کل سه متغیر نوع هویت قومی، رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی به دست آمد و چون ضریب آن بالای ۰/۷۵ بود برای سنجش پایایی اندازه‌ای مقبول در نظر گرفته می‌شود. پس از جمع‌آوری داده‌ها وارد محیط spss شد و اطلاعات توصیفی با استفاده از فراوانی و داده‌های دومتغیره با استفاده از فن‌های استنباطی استخراج گردید. برای تحلیل چند متغیره از رگرسیون خطی استفاده شد.

۸. یافته‌های توصیفی

درصد گرایش پاسخگویان سورانی، کلهری، اورامی به ترتیب ۷۶/۹، ۱۳/۸ و ۹/۴ بوده است. ۸۶/۹ درصد پیروان اهل تسنن و ۱۳/۱ درصد پیرو مذهب تشیع بوده‌اند. ۷۰ درصد پاسخگویان مرد و ۳۰ درصد زن بودند نتایج تحلیل تک متغیر نشان می‌دهد که میزان نوع هویت قومی در میان جامعه‌ی آماری مورد مطالعه بدین قرار است: هویت فردی غیرسیاسی صفر درصد، هویت فردی سیاسی ۱۷/۵ درصد، هویت قومی غیرسیاسی ۴۸/۱ درصد و هویت قومی سیاسی ۳۴/۴ درصد هست همچنین نتایج جدول نشان می‌دهد که بین نوع هویت قومی مرد و زن تفاوت بدین قرار است: هیچ‌کدام از این دو گروه دارای هویت فردی غیرسیاسی نمی‌باشند، ۱۲/۳ درصد از مردان دارای هویت فردی سیاسی و ۴۷/۳ دارای هویت قومی غیرسیاسی و ۳۹/۳ درصد دارای هویت قومی سیاسی هستند و در مقابل برای زنان ۲۷/۱ درصد دارای هویت فردی سیاسی، ۵۰ درصد دارای هویت قومی غیرسیاسی و ۳۰ درصد دارای نوع هویت قومی سیاسی هستند. به عبارتی مردان از زنان سیاسی‌تر هستند، گویشوران اورامی بیش از سورانی و سورانی بیش از کلهری سیاسی هستند. در این میان پیروان اهل تسنن حدود ۴۰ درصد قومی سیاسی بوده و پیروان اهل تشیع هیچ‌کس دارای گرایش قومی سیاسی نبوده است.

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۴۹

جدول شماره ۱) رابطه متغیرهای جمعیت‌شناختی با نوع هویت، رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی

| ارزش‌های فردی | | | رفتار سیاسی | | | نوع هویت | | | | متغیرها | | |
|---------------|---------|------|-------------|---------|------------|------------|----------------|------------|----------------|---------|-----|--------|
| فرا مادی | التقاطی | مادی | رادیکال | میان‌رو | محافظه کار | قومی سیاسی | قومی غیر سیاسی | فردی سیاسی | فردی غیر سیاسی | تعداد | مرد | جنسیت |
| ۵۷ | ۴۸ | ۳ | ۳۷ | ۶۰ | ۱۱ | ۴۳ | ۵۲ | ۱۳ | ۰ | تعداد | | |
| ۵۲/۷ | ۴۴/۶ | ۲/۷ | ۳۴/۰ | ۵۵/۵ | ۱۰/۵ | ۳۹/۸ | ۴۸/۱ | ۱۲/۱ | ۰/۰ | درصد | | |
| ۱۷ | ۲۰ | ۹ | ۷ | ۲۸ | ۱۱ | ۱۱ | ۲۳ | ۱۲ | ۰ | تعداد | | زن |
| ۳۷/۵ | ۴۳/۷ | ۱۸/۸ | ۱۵/۰ | ۶۰/۰ | ۲۵/۰ | ۲۳/۹ | ۵۰/۰ | ۲۶/۱ | ۰/۰ | درصد | | |
| ۶۳ | ۴۰ | ۱۵ | ۲۰ | ۸۸ | ۱۰ | ۴۳ | ۶۲ | ۱۳ | ۰ | تعداد | | گوش |
| ۵۳/۰ | ۳۴/۰ | ۱۳/۰ | ۱۷/۱ | ۷۴/۸ | ۸/۱ | ۳۶/۶ | ۵۲/۸ | ۱۰/۶ | ۰/۰ | درصد | | |
| ۴ | ۱۰ | ۷ | ۰ | ۹ | ۱۲ | ۰ | ۹ | ۱۲ | ۰ | تعداد | | |
| ۱۹/۰ | ۴۶/۰ | ۳۵/۰ | ۰/۰ | ۴۳/۲ | ۵۶/۸ | ۰/۰ | ۴۰/۹ | ۵۹/۱ | ۰/۰ | درصد | | |
| ۹ | ۵ | ۱ | ۵ | ۸ | ۲ | ۱۰ | ۳ | ۲ | ۰ | تعداد | | اورامی |
| ۶۲/۲ | ۳۱/۷ | ۶/۱ | ۳۳/۳ | ۵۳/۴ | ۱۳/۳ | ۶۶/۷ | ۲۰/۰ | ۱۳/۳ | ۰/۰ | درصد | | |
| ۷۱ | ۵۴ | ۹ | ۲۵ | ۹۹ | ۱۰ | ۵۱ | ۷۲ | ۱۱ | ۰ | تعداد | | مذهب |
| ۵۳/۲ | ۴۰/۳ | ۶/۵ | ۱۸/۷ | ۷۴/۱ | ۷/۲ | ۳۸/۴ | ۵۳/۴ | ۸/۲ | ۰/۰ | درصد | | |
| ۳ | ۱۴ | ۳ | ۰ | ۹ | ۱۱ | ۰ | ۶ | ۱۴ | ۰ | تعداد | | تشیع |
| ۱۴/۳ | ۷۱/۴ | ۱۴/۳ | ۰/۰ | ۴۳/۲ | ۵۶/۸ | ۰/۰ | ۲۸/۶ | ۷۱/۴ | ۰/۰ | درصد | | |

نتایج تحلیل تک متغیر ارزش نیز نشان می‌دهد که از میان پاسخگویان ۷۰۵ درصد دارای ارزش مادی، ۴۴۰۴۰ درصد دارای ارزش التقاطی و ۴۸۰۱ درصد دارای ارزش فرا مادی بودند. همچنین نتایج این جدول بیانگر آن است که بین نوع ارزش‌های فردی زنان و مردان تفاوت به‌قرار زیر وجود دارد: در میان مردان ۲/۷ درصد دارای ارزش مادی و ۴۴/۶ درصد دارای ارزش‌های التقاطی و ۵۳/۲ درصد دارای ارزش‌های فرا مادی و در مقابل در میان زنان ۱۸/۸ درصد دارای ارزش‌های مادی، ۴۳/۷ دارای هویت التقاطی و ۳۷/۵ درصد دارای ارزش‌های فرا مادی هستند. همچنین در تحلیل رفتار سیاسی نتایج نشان داد که ۱۵ درصد محافظه‌کار، ۶۸۰۸ درصد میان‌رو و ۱۶۰۱ درصد رادیکال هستند. و همچنین نتایج جدول حاکی از آن است که مردان در رفتار سیاسی رویه‌ی رادیکال‌تری نسبت به زنان در پیش می‌گیرند.

نتایج جدول شماره ۲ رابطه نوع هویت با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که از نتایج جدول پیداست کسانی که از لحاظ گرایش به هویت قومی در رتبه‌ی بالاتری قرار دارند در نحوه‌ی رفتار سیاسی نیز رادیکال‌تر بوده و همچنین یافته‌های جدول گواه آن است که افراد با نوع گرایش به هویت قومی بیشتر تمایل به ارزش‌های فرا مادی دارند و بالعکس کسانی که در رتبه‌های پایین‌تر گرایش به هویت قومی قرار دارند بیشتر دارای هویت مادی می‌باشند.

جدول شماره ۲) رابطه نوع هویت با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی

| ارزش‌های فردی | | | رفتار سیاسی | | | متغیرها |
|---------------|---------|------|-------------|---------|------------|---------------|
| فرا مادی | التقاطی | مادی | رادیکال | میان‌رو | محافظه‌کار | |
| ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | فردی غیرسیاسی |
| ۷/۱ | ۷۵ | ۱۷/۹ | ۱۶ | ۳۱/۸ | ۵۲/۲ | فردی سیاسی |
| ۴۴/۱ | ۵۰/۶ | ۵/۲ | ۲۱ | ۶۱/۵ | ۱۷/۵ | قومی غیرسیاسی |
| ۷۴/۵ | ۲۰ | ۵/۵ | ۷۳/۶ | ۲۶/۴ | ۰ | قومی سیاسی |

۹. یافته‌های تبیینی

نتایج آزمون فرضیه‌ها در جداول پایین و بر اساس سطح سنجش متغیرها، به اختصار نشان داده شده است.

فرضیه ۱: با توجه به جدول مقدار معناداری آزمون leven کمتر از ۰۰۵ هست پس فرض برابری واریانس رد می‌شود، بر اساس مقادیر جدول $t=3/3$ و در سطح ۰۰۰۱ معنادار هست در نتیجه میزان تفاوت بین نمره هویت زنان و مردان از لحاظ آماری معنادار می‌باشد و فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین این دو گروه رد می‌شود این بدان معناست که نوع هویت با جنسیت پاسخگویان رابطه دارد.

فرضیه ۲: آزمون f که مقدار آن برابر با ۲۹۰۷۹۱ است و در سطح ۰۰۰۱ معنادار است، نشان می‌دهد که نوع هویت قومی با نوع گویش‌های زبان کردی در ارتباط است. بر اساس نتایج آزمون شفه میزان هویت قومی کردزبانان با گویش اورامی بیشتر از سورانی، سورانی بیشتر از کلهری می‌باشد.

جدول شماره ۳) رابطه نوع جنسیت، لهجه و مذهب با میزان هویت قومی

| فرضیه | متغیر مستقل | متغیر وابسته | Leven | t | f | سطح معناداری |
|---------|-------------|--------------|-------|--------|--------|--------------|
| فرضیه ۱ | جنسیت | نوع هویت | ۰۰۳۷ | ۳/۳ | - | ۰۰۱ |
| فرضیه ۲ | لهجه | نوع هویت | - | - | ۲۹۰۷۹۱ | ۰۰۱ |
| فرضیه ۳ | مذهب | نوع هویت | ۰۰۲ | ۱۳/۴۲۸ | | ۰۰۱ |

فرضیه ۳: با توجه به جدول مقدار معناداری آزمون leven کمتر از ۰۰۵ می‌باشد پس فرض برابری واریانس رد می‌شود و بر اساس مقادیر جدول $t=13/428$ و در سطح ۰۰۰۱ معنادار است، نشان می‌دهد که نوع مذهب با نوع هویت قومی در ارتباط است و میزان گرایش به هویت قومی در میان کردهای اهل تسنن بیشتر از کردهای اهل تشیع می‌باشد.

فرضیه ۴: آزمون f نشان می‌دهد میان نوع هویت قومی فرد با رفتار سیاسی او رابطه معناداری وجود دارد اما ضریب کرامر نشان می‌دهد که شدت این رابطه متوسط است و همچنین مقدار آزمون پیرسون نشان می‌دهد که همبستگی بین نوع هویت قومی و رفتار سیاسی بسیار قوی هست. در نتیجه ما می‌توانیم فرضیه صفر را در این مورد رد کنیم این بدان معناست که افرادی که گرایش به هویت قومی بالایی دارند در رفتار سیاسی رویکرد

رادیکال‌تری را اتخاذ می‌کنند و کسانی که گرایش به هویت قومی ضعیفی دارند در رفتار سیاسی رویکردی محافظه‌کارانه‌تر را در پیش می‌گیرند.

جدول شماره ۴) رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی

| فرضیه | متغیر مستقل | متغیر وابسته | فی | کرامر v | سطح معناداری |
|---------|---------------|--------------|------|---------|--------------|
| فرضیه ۴ | نوع هویت قومی | رفتار سیاسی | .۷۳۱ | .۵۱۷ | .۰۰۱ |
| فرضیه ۵ | نوع هویت قومی | نوع ارزش | .۴۹۳ | .۳۴۹ | .۰۰۱ |
| فرضیه ۶ | رفتار سیاسی | نوع ارزش | .۳۲ | .۲۲۶ | .۰۰۱ |

فرضیه ۵: آزمون فی نشان می‌دهد بین نوع هویت قومی فرد با ارزش‌های موردعلاقه او رابطه معناداری وجود دارد، اما مقدار آزمون کرامر بیانگر آن است که شدت این رابطه متوسط است، و همچنین مقدار آزمون پیرسون نشان می‌دهد که میزان همبستگی بین نوع هویت قومی و ارزش‌های موردعلاقه فرد متوسط است. این بدان معناست که ارزش‌های موردعلاقه فرد با نوع هویت قومی او در ارتباط است و کسانی که دارای گرایش به هویت قومی بالایی می‌باشند گرایش به ارزش‌های فرامادی دارند و افرادی که دارای گرایش به هویت قومی پایین می‌باشند به ارزش‌های مادی تمایل دارد.

فرضیه ۶: آزمون فی نشان می‌دهد که بین نوع رفتار سیاسی و ارزش‌های موردعلاقه فرد رابطه معناداری وجود دارد اما مقدار آزمون کرامر بیان می‌کند که شدت این رابطه ضعیف است و همچنین مقدار آزمون پیرسون نیز نشان می‌دهد همبستگی متوسطی بین این دو متغیر وجود دارد. در نتیجه ما توانستیم فرضیه صفر را در این مورد رد کنیم، این بدان معناست که نوع رفتار سیاسی با نوع ارزش‌های موردعلاقه فرد در ارتباط است و کسانی که در رفتار سیاسی رویکردی رادیکال‌تر دارند دارای ارزش‌های فرامادی و افرادی که در رفتار سیاسی رویکرد محافظه‌کارانه‌تری دارند دارای ارزش‌های مادی می‌باشند.

- تحلیل چند متغیره

برای بررسی تأثیرات هرکدام از متغیرهای این مطالعه مخصوصاً هویت بر روی رفتار سیاسی از رگرسیون خطی استفاده شده است برای این کار متغیر وابسته دیگر از نوع طبقه‌بندی نیست بلکه نمره کلی پاسخگویان در گویه‌های مخصوص رفتار سیاسی را باهم جمع نموده و به‌عنوان متغیر فاصله‌ای آماره‌های رگرسیون خطی بر روی آن اجرا شده است به همین منظور از روش رگرسیون خطی گام‌به‌گام (step wise) استفاده شده است، با توجه

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۵۳

به نتایج آزمون در مرحله اول هویت و در مرحله دوم مذهب، متغیرهای موثر پیش‌بینی کننده رفتار سیاسی وارد شده است. نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون چند متغیره در جدول زیر آمده است:

جدول ۵- ضرایب تحلیل رگرسیون چند متغیره رفتار سیاسی

| متغیر مستقل | مقدار ضریب f | مقدار R | مقدار ضریب Beta | سطح معناداری | مقدار R Square تجمیعی |
|-----------------|--------------|---------|-----------------|--------------|-----------------------|
| هویت قومی | ۲۱۰/۸۶۱ | .۷۵۶ | .۷۵۶ | .۰۰۰ | .۵۷۲ |
| هویت قومی، مذهب | ۱۱۷/۳۳۴ | .۷۷۵ | .۶۵۱ | .۰۰۰ | .۶۰۰ |

با توجه به جدول شماره ۵ میزان R رابطه هویت با رفتار سیاسی را در حدود ۷۵۶٪ نشان می‌دهد که حاکی از میزان رابطه بسیار قوی هویت و متغیر رفتار سیاسی هست. متغیر هویت به تنهایی توانسته است در حدود ۵۷۲٪ از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند و در مرحله دوم میزان همبستگی هویت و مذهب با متغیر رفتار سیاسی افزایش یافته است همچنان که مشاهده می‌کنید R از ۷۵۶٪ به ۷۷۵٪ افزایش یافته است که این دو متغیر میزان $R^2=60\%$ داشته‌اند که ۶۰ درصد از تغییرات متغیر رفتار سیاسی توسط این دو متغیر تبیین شده است که در حد قابل قبولی این میزان از R^2 نسبتاً بالاست.

ضرایب رگرسیون Beta و آماره f مقدار معناداری را نشان می‌دهد بر اساس اطلاعات جدول در مرحله اول مقدار Beta متغیر هویت ۷۵۶٪ می‌باشد یعنی به ازای هر واحد تغییر در متغیر هویت حدود ۷۵۶٪ واحد تغییر در متغیر رفتار سیاسی به وجود می‌آید و در مرحله دوم با ورود متغیر مذهب مقدار متغیر هویت کمی کاهش پیدا نموده است که به جای این متغیر ۶۵۱٪ می‌باشد.

جدول ۶- ضرایب تحلیل رگرسیون چند متغیره رفتار سیاسی

| متغیر مستقل | مقدار ضریب f | مقدار R | مقدار ضریب Beta | سطح معناداری | مقدار R Square تجمیعی |
|-------------|--------------|---------|-----------------|--------------|-----------------------|
| هویت | ۷۲/۵۱۰ | .۵۶۱ | .۵۶۱ | .۰۰۰ | .۳۱۵ |

نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که بهترین متغیر برای تبیین نوع ارزش موردعلاقه فرد هویت می‌باشد، با توجه به میزان آماره $R=561$ نشان از رابطه متوسط نوع هویت و

ارزش هست. متغیر نوع هویت توانسته است در حدود $R^2=315$ از تغییرات متغیره وابسته را پیش‌بینی کند یعنی می‌توان گفت که متغیر موثر پیش‌بینی کننده نوع ارزش‌های فردی، گرایش به هویت قومی بوده و سایر متغیرها تأثیر آن‌چنانی در تعیین ارزش موردعلاقه فرد ندارند.

۱۰. نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نکات قابل توجهی را نشان داد که یکی از آن‌ها رابطه نوع هویت قومی فرد با مذهب او است. این بدان معناست که مذهب عامل مؤثری بر گرایش به هویت قومی است و در این تحقیق گرایش به هویت قومی پیروان اهل تسنن بیشتر از پیروان اهل تشیع بوده است. نتایج این تحقیق با پژوهش محمدزاده (۱۳۹۰) همسو است که مذهب در قوم‌گرایی و نوع آن نقش دارد. در واقع چنانچه دورکیم مشخص ساخته، مذهب عامل انسجام اجتماعی است. یعنی در جامعه آماری معلمان پیروان اهل تسنن با پیروان اهل تشیع اختلاف در گرایش به هویت قومی و رفتار سیاسی وجود دارد به‌نوعی که در میان دیران پیرو اهل تسنن، رفتار سیاسی رادیکال‌تر و گرایش به هویت قومی شدیدتر است.

درعین حال مشخص گردید که نوع گرایش فرد با نوع و گرایش هویت قومی فرد رابطه معنادار دارد و در این میان گرایش به هویت قومی در میان کسانی که با گرایش اورامی صحبت می‌کنند بیشتر از کسانی است که با گرایش سورانی و کلهری صحبت می‌کنند و گرایش به هویت قومی افراد که با گرایش سورانی صحبت می‌کنند بیشتر از افرادی است که با گرایش کلهری صحبت می‌کنند. دلیل این امر این است که اورامی‌ها خود را از نظر فرهنگی متفاوت‌تر می‌بینند و تفاوت فرهنگی برگرایش و شدت هویت قومی تأثیرگذار است. (محمدزاده، شادرو، رفیع فر، ۱۳۹۱). تحقیق که در میان کره‌ای‌ها انجام شده است به همین نکته مهم اشاره دارد که میان تسلط به زبان مادری و هویت رابطه معنادار وجود دارد (Lee, 2009). اشتنبرگ و همکاران (2008:238) بر این نکته مهم انگشت نهاده‌اند که در مسئله قومیت نارضایتی سیاسی و فرهنگی مهم‌تر از نارضایتی اقتصادی است.

همچنین جنس با نوع گرایش به هویت قومی رابطه وجود دارد. به‌این ترتیب که گرایش به هویت قومی در میان دیران مرد بیشتر از دیران زن است. این نتیجه به‌نوعی با نظر بشیریه (۱۳۷۴) صادق است که رفتار سیاسی زنان شبیه به مردان است.

با توجه به نتایج تحقیق مشخص گردید که گرایش به هویت قومی متغیر موثر در پیش‌بینی نوع رفتار سیاسی شخص هست به نوعی که می‌تواند بیش از نیمی از تغییرات متغیر رفتار سیاسی را پیش‌بینی کند. بعد از گرایش به هویت قومی، متغیر مذهب در پیش‌بینی رفتار سیاسی نقش درجه دوم را دارد.

نتایج تحقیق بر اساس تقسیم‌بندی دیوید رومانو بسیار حائز اهمیت است. نتایج به ما می‌گوید افراد گوناگون و تا حدی دارای آزادی عمل هستند و اشخاص با هویت قومی خاص لزوماً دارای گرایش به هویت قومی نیستند و این نکته کمی نیست. در ثانی بعضی از افراد نه تنها دارای هویت قومی نیستند بلکه اصولاً افرادی سیاسی نیستند. در این میان افرادی هستند که انگیزه و تمایل به رفتار سیاسی دارند اما نه تنها در راستای فعالیت قومی نیست بلکه ممکن است در جهت خلاف آن باشد. برای مثال افرادی در مناطق قومی هستند که دارای گرایش‌های جهان‌وطنی و یا گرایش به فکر و اندیشه چپ هستند. در این میان هرچند تحقیقات قبلی بیش از هر چیز بر عامل تبعیض به‌عنوان عامل زمینه‌ساز هویتی تأکید می‌کردند در این تحقیق مشخص شد عواملی فرهنگی مثل مذهب و گویش هم در این رابطه نقش دارند.

نکته بسیار مهم با توجه به نظریه ارزش‌های فردی اینگلهارت این است که قوم‌گرایی و هویت قومی یک گرایش خاص گرایانه نیست و افرادی که هویت قومی شدیدتری دارند تمایل به ارزش‌های رهانیده در آن‌ها بیشتر است و این یافته موافق نتیجه تحقیق میرزایی (۱۳۹۶: ۶۰) است که در آن مشخص ساخته است که گرایش به قومیت با ناسیونالیسم مدنی هم‌نوا است و این یافته مهم برخلاف نگرش اینگلهارت به این موضوع است.

نکته بسیار مهم دیگر این است افرادی گرایش به رفتار سیاسی دارند گرایش مادی در میان آن‌ها کم است و این نکته مهمی است که در تاریخ ایران به کرات تکرار شده است که افراد با علاقه مادی به کار سیاسی پرداخته‌اند. در این رابطه است که هانا آرنه گفته است. افرادی کار سیاسی می‌کنند بایستی دغدغه آزادی داشته باشند. افرادی که دغدغه اقتصادی داشته و کار سیاسی انجام دهند فاجعه خواهند آفرید.

اما در رابطه با گرایش به هویت قومی بایستی این نکته را گفت که گرایش به هویت قومی به‌خودی‌خود یک مشکل نیست و تنوع قومی در قانون اساسی امری مشروع و مورد

۱۵۶ جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱

تائید است. آنچه مهم است توجه و مطالعه بیشتر در این راستا و رفع نابرابری‌های سیاسی، فرهنگی (زبانی-مذهبی) و اجتماعی در این زمینه است.

کتاب‌نامه

- احمدی، حمید. (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران: نشر نی.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، تهران: کویر.
- اینگلهارت، رونالد؛ ولزل، کریستین (۱۳۸۹)، نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه: یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر.
- بشیریه حسین (۱۳۷۴) جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نی.
- برتون، رولان. (۱۳۹۸). قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه: ناصر فکوهی، تهران: نشر نی
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کردستان، ۱۳۹۵.
- حاجیانی ابراهیم (۱۳۷۹) تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵، پاییز ۱۳۷۹.
- جلایی پور، حمیدرضا (۱۳۷۲). کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات موج تفکر.
- راش، مایکل. (۱۳۸۸). جامعه و سیاست، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- رومانو، دیوید (۱۴۰۰) جنبش‌های ناسیونالیسم کردی، ترجمه: عمر فیضی، سندج: نشر مادیار
- زاهدی محمدجواد، بیرانوند علی (۱۳۸۹) پایگاه اجتماعی-اقتصادی و نگرش به مشارکت سیاسی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره یازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹، ص: ۷۳-۵۱.
- صالحی امیری (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژی.
- طائی علی (۱۳۷۸) بحران هویت قومی در ایران، تهران، شادگان.
- عبدالهیان حمید، حقگویی احسن (۱۳۸۸) تبیین رابطه کاربردی اینترنت و مشارکت سیاسی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸، ص: ۱۳۰-۱۵۹.
- عبداللهی محمد، حسین بر (۱۳۸۵) هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۴، زمستان.

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۵۷

عنبری موسی، قلی زاده میرزایی حامد (۱۳۹۶) مطالعه رابطه هویت گرایمی محلی با کنش‌های انتخاباتی: بررسی انتخابات مجلس شورای اسلامی در لرستان، توسعه محلی (روستای-شهری)، دوره نهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص: ۲۶۱-۲۸۲.

فاضلی محمد، خوشفر غلامرضا (۱۳۸۹) مشارکت سیاسی در استان گلستان، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، شماره پیاپی ۱۱، ص: ۱۳۴-۱۵۱.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی*، مترجم: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
مرشدی زاده علی (۱۳۷۹) بقا یا زوال قومیت در عصر جهانی‌شدن، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۷۹.

مقصودی مجتبی (۱۳۸۰) تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها، تهران، صاحب کوش.
محمدزاده حسین (۱۳۹۰) عوامل مرتبط با انواع قوم‌گرایی در میان کردهای ایران، رساله دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، استاد راهنما دکتر محمدرضا شادرو، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

محمدزاده حسین، شادرو محمدرضا، رفیع فر جلال‌الدین (۱۳۹۱) عوامل اجتماعی مرتبط با قوم‌گرایی فرهنگی در میان کردهای ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال اول، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۱.

محمدزاده حسین، خانی سعید (۱۳۹۷) زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکاف قومی در ایران، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره دوازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷، ص: ۱۲۵-۱۴۷.

معدنی سعید، خسروانی عباس (۱۳۹۰) عوامل مؤثر در جهت‌گیری ارزش‌های (مادی-فرا مادی) دانشجویان دانشگاه آزاد واحد اراک در سال ۱۳۹۰، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، سال اول، شماره سوم، زمستان، ص: ۱۲۳-۱۴۳.

میرزایی سید آیت‌الله (۱۳۹۶) ناسیونالیسم و قومیت در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، ص: ۳۲-۶۸.

نواح عبدالرضا، قیصری نورالله، تقوی نسب سید مجتبی (۱۳۸۹) آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران، مطالعه موردی عرب‌های ساکن شهر اهواز، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران، دوره سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، ص: ۴۷-۷۰.

Amanolahi, S. S. (2005) A Note on ethnicity and ethnic group in Iran, Iran&Caucass, and vol: 9.

Elazar, D. J. (1966), **American Federalism: A View From the States**, New York: Thomas Y. Crowell Company.

- Ericson, T.H.(1993) ethnicity and nationalism, anthropological perspective, pluto press, London.
- Esman, M.(1994), **Ethnic Politics**, Ithaca: Cornell University Press.
- Gaiser, W. and Rijke, J. (2014), **Political Participation of Youth Young Germans in the European Context**, Asia Europe Journal, Springer, January 5 (4), 541-55.
- Henderson, A. (2007). "The Regionalization & political Culture", www. Cpsa, acsp.ca .
- Icduyqu, A. Romano, D. Sirkan, I. (1999) the ethnic question in an environment of insecurity, ethnic and racial studies, 22(6), 991-1010.
- Ingelhart, R. , Welzl, K. (2010). **Modernization, Cultural Change and Democracy**, Translated by: Ahmadi. Tehran: Desert Publishing
- Inglehart, R. (2000) Culture and Democracy, in L.E. Harrison and S.P. Huntington (eds), Culture.
- Fish, J., Aguilera, R., Ogbeide, I. E., Ruzzicone, D. J., & Syed, M. (2021). When the personal is political: Ethnic identity, ally identity, and political engagement among Indigenous people and people of color. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 27(1), 18–36.
- Lee Brown Clara, (2009) "**Heritage Language and Ethnic Identity: A Case Study of Korean-American College Students**" The University of Tennessee, Knoxville U. S. A.
- Minorities at risk** (2009) cod book version, 2/2009/center for international development and conflict management.
- Nandi, A. Platt, L. (2018) **he relationship between political and ethnic identity among UK ethnic minority and majority populations**, journal of Ethnic and Migration Studies, 2020 - Taylor & Francis.
- Steinberg, A., David, S., Stephan, M. (2008) laissez fear: assessing the impact of government involvement in the economy on ethnic violence, *International studies quarterly*, 52, 235-259.
- Zoellick, T. (2000), "**Daniel Elazar, Bogus or Brilliant: A Study of Political Culture Across The American States**", Res Publica - Journal of Undergraduate Research, Vol. 5.